

دکتر محمد مهدی هراتی
عضو فرهنگستان هنر

شناخت عوامل اثر گذار در تحول آثار هنری ملت‌ها، یکی از شیوه‌های ارتقای کیفیت آموزش و دانش افزایی برای معلمان هنر و سایر همکاران است. نویسنده در این نوشته به بررسی مستند و دقیق تأثیر نور و رنگ در پیدایش مکتب‌های هنری جهان و هنر ایران و شرق پرداخته است.

نور و رنگ در آثار هنری در آثاری هنری ملل

کلید واژه‌ها:
محمد مهدی هراتی
نور و رنگ
تحول آثار هنری
آریاییان
امپرسیونیسم

هزاران سال است که زندگی بشر با طالع نور و روشنایی آغاز می‌شود. نور، نخستین پدیده این کره خاکی است. پیامد نور، روشنایی است که زندگی بخش است و زندگی هم در پناه رنگ‌ها از هزاران جلوه حسن برخوردار می‌شود. ایرانیان از نخستین اقوامی هستند که به دنیای پر راز و رمز «نور و رنگ» توجه کرده‌اند. شرایط اقلیمی و حضور خورشید زندگی بخش در آثار هنری و فرهنگی ایرانیان و تقدیس و ستایش نور در آئین و هنرهای آنان، گواه این امر است. ایرانیان باستان در نوروز که جشن رنگ‌های طبیعت است، لباس‌های رنگین می‌پوشیدند و کاشانه‌خویش را به زیبایی می‌آراستند. دیوار خانه‌ها را رنگ می‌کردند و گل‌های رنگین طبیعت را به خانه‌هایشان می‌آوردند و شهرها را نیز با رنگ‌های درخشان آراسته می‌کردند. مورخان در این باره نوشته‌اند: پایتخت مادها، شهر هگمتانه یا اکباتان، دارای هفت دیوار تودرتو و متداخل بود با هفت کنگره و به هفت رنگ سفید،

سیاه، سرخ، ارغوانی، آبی، نارنجی و زرد.^(۱) آریاییان سرزمین هند، رنگ نارنجی را مظهر نور و شادی و زایل کننده آندوه می‌دانند. در آن جا درختی با گل‌های نارنجی درخشان و پُریر به نام آسوکا وجود دارد که مظهر زندگی است و آن را «دستمال فرشتگان» می‌دانند. در مراسم ازدواج، گلبرگ‌های نارنجی آسوکا را بر سر عروس و داماد می‌افشاند تا آنان و فرزندان‌شان از آندوه و بدبختی در امان باشند. «در نگارگری ایرانی، حاکمیت با نور مطلق است و رنگ‌ها با حداکثر نور، فاقد هرگونه تیرگی یا سایه‌اند که نشانه غنای آن است.^(۲) «پل گوگن نقاش پس از امپرسیونیسم، هنری ماتیس نقاش فوویسم و ویکتور وازارلی هنرمند نام‌آور معاصر، تحت تأثیر پردازش‌های نوری نقاشی ایرانی، آثاری زیبا و نورادر عرصه هنر غرب پدید آوردند. گوگن، رنگ‌های آثارش را بدون ترکیب با سیاه و سفید انتخاب کرد که از ویژگی‌های نقاشی ایرانی است.^(۳) «ماتیس و درن^(۴) از نخستین نقاشان اروپایی هستند که رنگ‌های خالص را به حالت متضاد به کار گرفتند. مطلبی که هم در نقاشی ایرانی وجود دارد و هم مولوی شاعر بزرگ ما بدان اشاره کرده است: **گه نظر بر نور بود آن گه به رنگ
ضد به ضد پیدا شود چون روم و زنگ
دیدن نور است آن گه دید رنگ
وین به ضد نور دانی بی درنگ^(۵)**



عکس از یک زن ایرانی در لباس سنتی

وجود آورد که در آن به بازی های نور و رنگ توجه شده است.^(۳۲)

نقش برجسته های تخت جمشید به گونه ای حجاری شده اند که در برابر تابش های نوری صبحگاهان و شامگاهان و ساعات دیگر روز، از نوعی زیبایی و ترکیب بندی موزون برخوردارند.^(۳۳)

«جرج دلاتور (از نقاشان قرن هفدهم میلادی) در تابلو «نوزاد» توجهی عمیق به نور و منبع مصنوعی آن دارد. زنی شمعی در دست دارد و سایه دست و نور شمع بر چهره نوزاد و صورت مادر، تأثیر گذاشته و تضاد تاریک - روشن و ارتباط تیرگی های متن و تصویر نیز قابل توجه و مطالعه است.^(۳۴)

بررسی ترکیب های نوری در آثار نقاشان کلاسیک تا امروز

«هنر یونان باستان شامل دو دوره کلاسیک و رومانسک است که از نظر تأثیر پذیری های نور، تابع همان اصول و روش های ادبی یونانی و رومی است. این اصول بر اساس انسان محوری و زیبایی است.

«پس از قرن دوازدهم میلادی، سبک هنری گوتیک آغاز می شود. توجه بیش از حد به شیشه های رنگین و تأثیر رنگ های متضاد از ویژگی های این دوران است که سرآغاز رنسانس است.

«آغاز دوران رنسانس با روی آوری نقاشان به طبیعت همراه است. در این دوره نقاشان می بایست ضمن نقاشی، موضوع یا داستانی را با رنگ ها و خطوط بیان می کردند. حضور بزرگانی همچون بوتیچلی، رافائل، ال گرکو و گرونوالد با طرح ها و رنگ پردازی های باشکوه همراه با نورپردازی های مناسب، قابل توجه است.

«در تابلو رستاخیز اثر گرونوالد نور، سایه روشن ها و تیرگی زمینه، بسیار دلپذیر است. هاله

«دُرَن و ماتیس، برای انتزاعی کردن رنگ اشیا، آن ها را به حالت متضاد استفاده کردند؛ گوگن در این مورد می گوید: از تقلید مدل پرهیز کنید، باید رنگ های خالص را مانند رنگ «شیشه های رنگین» به کار ببرند، آن وقت نقاشی شما مثل موسیقی می شود.^(۳۵)

«سزان نقاش امپرسیونیست هم در مورد رنگ می گوید: «وقتی که رنگ غنی باشد، شکل و صورت هم کامل می شود». همین خصلت رنگ را در رنگ آمیزی نگارگران ایرانی مشاهده می کنیم.^(۳۶)

«هربرت رید در مورد روش رنگ آمیزی نقاشان مدرن، به نقاشی ایرانی اشاره کرده است و می گوید: «این شیوه رنگ آمیزی را بهتر از هر جا در مینیاتورهای ایرانی و در آثار ماتیس، می توان مشاهده کرد. در مینیاتورهای ایرانی و آثار ماتیس، نقاش، رنگ ها را با قوی ترین و خالص ترین کیفیت خود انتخاب می کند.»^(۳۷)

«توجه رامبراند به تضادهای رنگی تیره و روشن، بسیار مهم و اساسی است. نور در آثار رامبراند جایگاهی ویژه دارد. نگاه این هنرمند به آثار نقاشان ایرانی و مشرق زمین در ایجاد این تفکر تأثیر زیادی داشته است. به طوری که این استاد بزرگ در طی زندگی هنری خود در طراحی بیش از ۲۱ تابلو^(۳۸) از آثار خویش، مینیاتورهای ایرانی و هندی را اساس تأثیر پذیری موضوعی و طراحی قرار داده است. همچنین «نور رامبراندی» را که منشا شرقی دارد، برای ملکوتی کردن آثارش ابداع و به کار گرفته و یادآوری خوبی از حاکمیت نوری در هنر مشرق زمین است.^(۳۹)

«در بررسی تصویری چند اثر از این هنرمند، به نقش نوربر موضوع و ضد آن برمی خوریم. در تصویر نمونه مقابل به تیرگی ها در متن اثر توجه کنید.

✓ تضاد تاریک و روشن در تابلو «مردی با کلاه خود طلایی» اثر رامبراند: به تابش نور بر موضوع و تیرگی های متن و ارتباط آن با فرم ها توجه کنید.^(۴۰)

✓ در تابلو «دکتر فاوست» اثر رامبراند: به ظهور یک منبع نورانی در ناحیه پنجره و تابش آن بر صورت و پیکر و استفاده از درجات تاریک. روشنی خاصی که در اثر نور به وجود آمده است، توجه کنید.^(۴۱)

✓ کمال الملک هنرمند بزرگ ایرانی، تحت تأثیر حضور نور در آثار رامبراند، تابلوی تالار آینه را به



مردی با کلاه خود طلایی: رامبراند

نورانی، رنگ‌های درخشان و تضادهای رنگی و نوری با یکدیگر هماهنگی کامل دارند.

« در طبیعت بیجان لیموها و نارنج‌ها، اثر فرانسیسکو زوربارل تضادهای تیره - روشن با محدودیت رنگ همراه است.



بررسی کوتاهی از حضور نور در دوره‌های مختلف نقاشی اروپا

« قرن هجدهم میلادی، آغاز توجه نقاشان به طبیعت است. آنان تلاش فراوانی را در جهت همسویی آثارشان با طبیعت شروع کردند و تابلوهای خویش را مظهر رقابت و هم‌ترازی با طبیعت دانستند. جان کستابل و ویلیام ترنر، دو نقاش سرشناس انگلیسی با تکیه بر واقعیات مشهود و درکی درست از طبیعت، نقاشی خود را خلق کردند. در فرانسه انگر بارنگ آمیزی قوی و با ارزش، هم‌زمان با نخستین تجارب هنر عکاسی، به خلق اثر پرداخت.



اثر کستابل

« در اوایل قرن

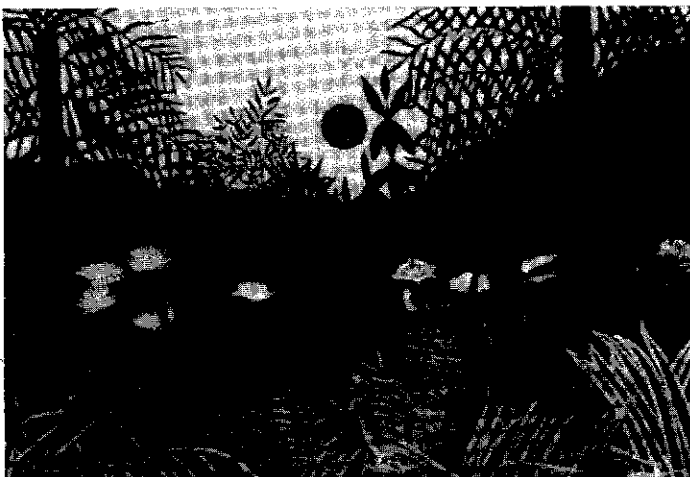
نوزدهم میلادی، اوژن دلاکروا، تحت تأثیر آثار فرانسیسکو گویا، صحنه‌هایی از مبارزات یونانیان و ترکان عثمانی را ترسیم کرد. او در سال ۱۸۲۶ میلادی، ضمن سفری به شمال آفریقا، چنان مجذوب خصوصیات زندگی سلحشوران مردم آن

♦ «پردازش‌های نوری» نقاشی ایرانی، زیبایی‌های تازه‌ای را در هنر غرب پدید آورد

♦ ماتیس و درن از نخستین نقاشان اروپایی بودند که مانند نقاشان ایرانی، رنگ‌های خالص و متضاد را به کار گرفتند

♦ رنوار، نخستین نقاشی است که رنگ‌های تیره را از تخته رنگ خود حذف کرد

اثر هنری روسو



اثر رنه ماگريت





جا می شود که تا آخر عمر، سوژه آثارش از مضامینی شرقی مشحون می گردد. تکیه بر نور و رنگ توجه به معانی و مفاهیم آثار این دوره «دلاکروا» الگوی کار بسیاری از نقاشان دوره های بعد قرار گرفت.

«ظهور نقاشان رئالیست مانند گوستاو کوربه و ادوارد مانه که علاوه بر توجه به نمودهای واقعگرایانه، تکیه بر «نور و رنگ» داشتند و در تابشی از نور خورشید غرق شده بودند، از دیگر ویژگی های این دوره است. ادوارد مانه برای نخستین بار تابلوهایش را از نقاط روشن، شروع کرد.

«رُنوار نخستین نقاشی است که رنگ های تیره را از تخته رنگ خود حذف کرد و پس از او نقاشانی دیگر نظیر مونه، پيسارو و سيسلی هم با همان خصوصیات به خلق آثار پرداختند. این نقاشان، جلوه های رنگ و نور و تضادهای آن ها را روی پرده های آثارشان ثبت کردند و همین امر اساس پدید آمدن سبک امپرسیونیسم شد.

امپرسیونیسم بر اساس اصول زیر شکل گرفت :

۱. نقاشی کردن در فضای آزاد.

۲. حذف رنگ های تیره و سیاه از تخته رنگ.

۳. توجه به تأثیر تغییرات نور در رنگ ها در ساعات مختلف روز.

۴. کنار هم قرار دادن رنگ های متضاد (مکمل) به منظور نشان دادن

درخشندگی واقعی رنگ ها.

۵. عدم ترکیب رنگ ها بایکدیگر و استفاده از رنگ های خالص و مجرد.

نقاشان امپرسیونیسم با کاربرد رنگ های طبیعت همراه با ذوق خویش، سایه ها، انعکاس رنگ های اطراف، و رنگ های روشنایی ها و سایه های آن ها، به مطالعه عملی نور، تاریکی و سایه و نور متوسط و مطلق پرداختند.^(۱) با پیوستن نقاشانی دیگر به گروه امپرسیونیست ها مانند پل سزان و ادگارد گاو و ژرژسورا این شیوه از استحکامی بیشتر برخوردار شد.

ژرژسورا در این آثار، از نور برای بیان سایه - روشن های آرام و ایجاد حجم استفاده کرده است. سورا، سزان، گوگن و وان گوگ، پس از مطالعه و دستیابی به تجربه های گوناگون، مکتب امپرسیونیسم را به مکتب های دیگر پیوند دادند که عبارت است از: اکسپرسیونیسم، دیویزیونیسم، سمبولیسم و فوویسم.

گفتنی است که نقاشان این مکاتب، اهتمام داشته اند تا در «پناه نور» به «اعتلای رنگ» پردازند. آنان حاصل تجارشان را در سال های ۱۹۱۰ و ۱۹۱۲ میلادی در دو نمایشگاه در لندن و پاریس به معرض نمایش و قضاوت گذاشتند. در همان سال ها، سزان، گوگن، وان گوگ، سورا، ماتیس، سینیاک، روئو و لامینیک، براك و پیکاسو هم به جمع آنان پیوستند. این مکتب ها به سبب سلیقه های متفاوت بنیانگذارانشان، چندان دوام نیافتند و با پراکنده شدن آنان، جهانیان شاهد تولد مکتب هایی نظیر، کویسم، اورفیزم، فوتوریسم، دادایسم، کلاژ، سوررئالیسم، آپ آرت، آبستره شدند. در همه این مکتب ها، نور و رنگ بایکدیگر عجین شده اند.

اینک، دو اثر از نقاشان پیرو این مکتب ها، به اختصار بررسی می شود:

«پابلو پیکاسو، یکی از بنیان گزاران مکتب کویسم است. او اثری به نام «ملکه ایزابو» که در سال ۱۹۰۹ میلادی با رنگ و روغن (در ابعاد ۷۳ x ۹۲ سانتی متر) خلق کرده، علاوه بر قالب شکنی کلی نظام پرسپکتیو خطی و روش های

مرسوم در نقاشی، در قالبی تازه به مسئله نور و تاریکی، روشنی و تضادهای رنگی توجه کرده است.

● سالوادردالی از مشاهیر و بنیان گذاران مکتب سوررئالیسم است. او با بهره گیری از دیدگاه خاص خویش و تخیل قوی و مضامین غیر متعارف ذهنی و رویاهایش، از نوعی نورپردازی متناسب با مضمون، استفاده کرده و در بطن آثارش، جشنواره ای خارق العاده از فکر، رنگ، طرح و نور پدید آورده است. ■

منابع و مأخذ:

۱. رمان، گیرشمن (Ghirshman, Roman)، هنر ایران، ج ۱، ترجمه دکتر بهرام فره وشی شرکت انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم، ۱۳۷۰.

۲. نهری، جواهر لعل، نامه های پدری به دخترش، ترجمه مرحوم نفضلی، انتشارات جیبی (سابق)، ۱۳۴۴.

۳. اتین، یوهانس، کتاب رنگ، ترجمه دکتر محمد حسین حلیمی، ناشر وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۶۵.

۴. همان مأخذ.

۵. از مثنوی مولانا محمد بلخی. دفتر ششم.

۶. همان مأخذ ردیف ۳.

۸. راید، هربرت، معنی هنر، ترجمه نجف دریا بندری، انتشارات سازمان کتاب های جیبی سابق ۱۳۵۱.

۹. هراتی، محمد مهدی، نگارگری او، ناشر وزارت آموزش و پرورش، ۱۳۷۲.

۱۰. برخی، این تعداد را ۵۱ اثر نوشته اند، همان منبع.

۱۱. حلیمی، (دکتر) محمد حسین. مبانی هنرهای تجسمی انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۷۰.

۱۲. همان منبع.

۱۳. یادداشت های مرحوم دکتر قاسم غنی. مضبوط در بخش خطی کتابخانه آستان قدس رضوی، درباره مرحوم کمال الملک.

۱۴. منبع تصویری: کتاب آثار کمال الملک، ناشر موزه هنرهای معاصر تهران، ۱۳۶۰ (به کوشش حسین کاشیان).

۱۵. همان منبع، ۱۱.

۱۶. منابع تصویری: کتاب های مبانی هنرهای تجسمی، کتاب رنگ، آشنایی با سبک های هنری. آشنایی با آثار سالوادردالی.